

# واکاوی سیاق حکمرانی جوان و حزب‌اللهی در گام دوم انقلاب مبتنی بر اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله العالی)

محسن عابدی درجه<sup>۱</sup>

## چکیده:

در گام دوم انقلاب و پس از چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی در کشور ایران نقاط ضعف و قوت (محیط درونی) و فرصت‌ها و تهدیدهایی (محیط بیرونی) برای این کشور قابل احصاء است. از آنجایی که اگر فضای درونی کشور و ساخت استحکام درونی قدرتمند شود، مسلماً بر فضای بیرونی نیز تأثیرگذار است؛ بنابراین اصلاح و ایجاد ساختارها، کارگزاران و عملکرد آنها نقش به‌سزایی در این امر مهم دارد. در این میان شیوه حکمرانی و انتخاب و انتصاب حکمرانان با مؤلفه‌ها و ویژگی‌های مشخص اهمیت زیادی در نیل به اهداف ترسیم شده برای گام دوم انقلاب دارد. در این تحقیق با تحلیل محتوای بیانات امام خامنه‌ای (مدظله العالی) به واکاوی سبک و سیاق حکمرانی جوان و حزب‌اللهی پرداخته شده است. بر همین اساس با توصیف و تبیین مختصات دولت جوان و حزب‌اللهی، چشم‌انداز و تصویرسازی نوینی از این دولت انجام شده که عملیاتی کردن، حفظ و تقویت آن با تلفیق دستاوردها و توصیه‌های بیان شده در بیانیه گام دوم انقلاب امکان‌پذیر است. اهمیت پرداختن به چنین موضوعی، قرار گرفتن تاریخ در پیچ سرنوشت‌ساز آن و نقش جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان بازیگر فعال و الگوساز در این برحه از زمان است. بنابراین تنها با استحکام ساخت درونی نظام و ارائه الگویی کارآمد و مقتدر از حکمرانی است که می‌توان آن را به جهان معرفی نمود. بر همین مبنا تنها راه اثبات چنین ادعایی، اجرای عملی حکمرانی متعالی براساس مؤلفه‌های آن توسط دولت جوان و حزب‌اللهی است.

## کلیدواژه‌ها:

حکمرانی، دولت جوان، حزب‌اللهی، گام دوم انقلاب، امام خامنه‌ای (مدظله العالی)

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران و مدرس دانشگاه حضرت امیرالمومنین (علیه‌السلام)

## مقدمه

در بیانیه گام دوم انقلاب که در ۲۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ توسط امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) منتشر گردید، ایشان پس از ذکر مقدمه، در بخش اول با بیان دستاوردهای انقلاب اسلامی تحت‌عنوان برکات بزرگ انقلاب اسلامی، در طول چهل سال ابتدایی، در بخش دوم توصیه‌های را برای گام دوم انقلاب به جوانان به‌عنوان جامعه هدف اصلی این بیانیه مورد خطاب قرار دادند. همچنین ایشان در دیدار ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی در دیدار رضائی دانشجویان در تاریخ ۲۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹ فرمودند: «به دولت جوان و حزب‌اللهی معتقدم و به آن امیدوارم». از سوی دیگر، ایشان در ذیل دستاورد هفتم انقلاب، یعنی ایستادگی روزافزون در برابر قُلدران و زورگویان و مستکبران جهان به این نکته اشاره می‌کند: «در تمام این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته آن در مقابل دولت‌های متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده ایران و ایرانی به‌ویژه جوانان این مرز و بوم به‌شمار می‌رفته است. اما راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به‌سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همّت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره‌گیرند، نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به‌کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی بسازند» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). ایشان در سال ۱۳۷۹ نیز در دیدار با کارگزاران نظام فرمودند: «دولت به معنای عام، نه به معنای هیئت وزراء؛ یعنی قوای سه‌گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه. اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آنگاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد؛ عدالت مستقر خواهد شد؛ تبعیض از بین خواهد رفت؛ فقر به تدریج ریشه‌کن می‌شود؛ عزّت حقیقی برای مردم به‌وجود می‌آید؛ جایگاهش در روابط بین‌الملل ارتقاء پیدا می‌کند؛ این «کشور اسلامی» می‌شود» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲). از سوی دیگر، جوانی دوره‌ای اجتماعی و فرهنگی نیز به‌شمار می‌رود؛ دوره‌ای که جوان شرایط لازم برای کنش مستقل در همه زمینه‌ها و صحنه‌های زندگی را می‌یابد. برخی نیز از دیدگاه انتقالی به آن توجه کرده‌اند، زیرا جوان شیوه خاصی از رفتار دارد که با دوره‌های دیگر زندگی‌اش متفاوت است و برخی نیز از جنبه ارزشی بدان می‌نگرند و آن را با خُلق و خوی خوب مترادف می‌دانند (شفرز، ۱۳۸۳: ۲۳-۴). بنابراین، آنچه در این تحقیق به‌عنوان مسأله و دغدغه پژوهش مورد بررسی قرار گرفته، واکاوی سبک و سیاق حکمرانی توسط قشر

جوان و حزب الهی در گام دوم انقلاب با تحلیل محتوای بیانات امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در طول سال‌های رهبری ایشان می‌باشد.

## مفاهیم و مبانی نظری

### ا. جوان:

جوان و جوانی موضوعی اجتماعی و جامعه‌شناسی به شمار می‌آید و در برخی متون نیز آن را بیشتر پدیده اجتماعی می‌دانند تا مسئله‌ای جمعیت‌شناختی. جوانی، دوره پویای زندگی هراسانی است. سنین ۲۹-۱۸ سالگی را دوره جوانی نامیده‌اند (قنبری برزین، ۱۳۹۳: ۶۶۸). مفهوم جوان و جوانی در زبان عربی به معانی مختلفی از جمله «فتی» و «شباب» آمده است. امام صادق (علیه السلام) خطاب به مردی پرسید: شما به چه کسی فتی می‌گویید؟، عرض کرد: به جوان. حضرت فرمود: نه، فتی، مؤمن است. اصحاب کهف همگی بزرگسال بودند اما خداوند متعال آنان را به سبب ایمانی که داشتند فتیه (جوانان، جوانمردان) نامید (محمدی‌شهری، ۱۳۸۶: ۲۹۱). در مورد جایگاه و نقش دوران جوانی در زندگی انسان و نقش جوانان در جامعه احادیث زیادی از ائمه معصومین (علیه السلام) بیان شده است. چنان‌چه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در حدیثی از جوانی به‌عنوان یک نعمت یاد کرده است. ایشان می‌فرماید: «شیئان لا یعرف فضلها الا من فقدهما: الشَّباب و العافیة»؛ دو نعمت است که قدر آن را نداند مگر کسی که از دست‌شان دهد: جوانی و تندرستی (محمدی‌شهری، ۱۳۸۶: ۲۸۹).

### ب. حزب و حزب الهی:

واژه «حزب» در قرآن کریم به معنای «گروه» ترجمه شده است. همچنین مفهوم «حزب» ۷ مرتبه و با احتساب مشتقات آن ۹ مرتبه در قرآن آمده است. حزب در اکثر موارد موجود در قرآن کریم به صورت ترکیبی (۵ مرتبه) استفاده گردیده و به دو گروه خاص تفکیک و متمایز شده است. این کلمه به‌عنوان مقدمه واژه‌های ترکیبی «حزب الله» ۳ مرتبه و «حزب الشیطان» ۲ مرتبه مورد استفاده قرار گرفته است. بنابراین احزاب به‌طور کلی به دو نوع الهی و شیطانی منقسم می‌گردند. نوع این احزاب مبتنی بر تفکر و مبانی نظری برخاسته از اعتقادات آن حزب قابل تشخیص است، به همین دلیل هیچ ارتباطی با نوع نظام سیاسی حاکم بر کشور یا جغرافیای سیاسی حاکم بر آن سرزمین ندارد و تنها مرتبط با نوع نگرش و ایدئولوژی سیاسی آن حزب می‌باشد. چه بسا حزب الهی که در حاکمیت کشور بی دینی وجود داشته باشد و یا حزب شیطانی که در لوای حکومت اسلامی خود را نفوذ داده باشد. به هر ترتیب قرآن کریم عاقبت این دو حزب را هم، از پیش بیان کرده است. همچنان که می‌فرماید: «اولئک حزب الله الا ان

۱۸ (مدظله العالی) واكوى سباق حكمرانى جوان و حزب الهى در گام دوم انقلاب مبتنى بر اندیشه امام خامنه‌اى

حزب الله هم المفلحون»؛ اينان به حقيقت حزب خدا هستند، اى اهل ايمان! بدانيد كه حزب خدا رستگاران عالمند (مجادله/ ۲۲) و نيز در جابى ديگر مى فرمايد: «فان حزب الله هم الغالبون»؛ تنها لشكر خدا در دو عالم فاتح و غالب خواهند بود (مائده/ ۵۶)، بنا بر اين «حزب الله» از منظر قرآن در نهايت رستگار، غالب و فاتح خواهند بود. اما در همان سوره مجادله مى فرمايد: «اولئك حزب الشيطان الا ان حزب الشيطان هم الخاسرون»؛ آنان حزب شيطانند، اى اهل ايمان! بدانيد كه حزب شيطان به حقيقت زيان كاران عالمند (مجادله/ ۱۹). از سوى ديگر، دو آيه مشابه و تكان دهنده‌اى در مورد گروه گروه شدن، فرقه فرقه شدن و حزبى شدن اُمت‌ها، ملت‌ها و مردم در قرآن وجود دارد. خداوند در قرآن كريم مى فرمايد: «و ان هذه امتكم امه واحده و انا ربكم فاتقون»؛ و اين اُمت شما يك اُمت است، و من پروردگار شما هستم، پس از مخالفت با من بترسيد! (مومنون/ ۵۲)؛ و در ادامه مى فرمايد: «فتقطعوا امرهم بينهم زبرا كل حزب بما لديهم فرحون»؛ اما آنها امر دين خود را پاره پاره كردند و فرقه فرقه شدند، هر گروهى به آنچه نزد خود دارند، دلخوشند (مومنون/ ۵۳). همچنين در سوره روم، پس از يادآورى اسلام خالص بر اساس فطرت مردم و عدم تغيير در خلقت و تأكيد بر دين اسلام به عنوان آيين استوار، همه را به بازگشت به درگاه خداوند فراخوانده و مى فرمايد: «من الذين فرقوا دينهم و كانوا شيعاً كل حزب بما لديهم فرحون»؛ از آنان كه دين خود را پراكنده ساختند و فرقه فرقه شدند؛ هر گروهى به آنچه پيش آنها است، دلشادند (روم/ ۳۲). بنا بر اين خداوند متعال در دو سوره مومنون و روم، دين اسلام و امت واحده را با مبنا قرار دادن توحيد و وحدت اسلامى اصل و اساس بيان فرموده است. بر اين پايه هر نوع گروه‌بندى، فرقه و حزبى كه در استاى اعتلاى كلمه حق نباشد و مبنائى آن ارزش‌هاى انساني باشد، خداوند آن را دلخوشى زودگذر دنيايى معرفى فرموده است. اما نكات مهمى كه در آيه ۲۲ سوره مجادله خداوند در مورد خصوصيات «حزب الله» مى فرمايد، عبارتند از: ۱- ايمان به خدا و روز قيامت؛ ۲- عدم دوستى مردم و قوم با ايمان با دشمنان خدا و رسولش حتى اگر پدر، فرزند، برادر يا خويشان آنها باشند؛ ۳- استوارى نور ايمان در قلب آنان؛ ۴- تاييد و نصرت الهى؛ ۵- جاودانگى در بهشت؛ ۶- رضاي متقابل آنان و خداوند از يكديگر. اين خصوصيات مواردى است كه معمولاً منافقان را از مؤمنان واقعى تفكيك مى كند.

حزب از نظر امام خامنه‌اى (مدظله العالی) عبارت است از يك تشكيلاتى كه نقش راهنمائى و هدايت آحاد مردم را به سمت يك آرمان‌هائى ايفا مى كند (امام خامنه‌اى، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴). بر همين اساس، دو نوع حزب وجود دارد: يك حزب عبارت است از كانال كشى براى هدايت‌هاى فكرى؛ حالا چه فكرى به معنای سياسى، چه فكرى به معنای دينى و عقيدتى. اگر چنانچه كسانى اين كار را بكنند، خوب است. قصد عبارت از اين نيست كه قدرت را در دست بگيرند؛ مى خواهند جامعه را به يك سطحى از معرفت، به

یک سطحی از دانائی سیاسی و عقیدتی برسانند؛ این چیز خوبی است. البته کسانی که این چنین توانایی داشته باشند، به طور طبیعی در مسابقات قدرت، در انتخابات قدرت هم آنها صاحب رأی خواهند شد، آنها برنده خواهند شد؛ لیکن این هدفشان نیست. این یک شکل حزب است؛ این مور تأیید و میدان باز است؛ هر کس می‌خواهد انجام دهد. شکل دیگر حزب، تقلید از احزاب کنونی غربی است. احزاب کنونی غربی به معنای باشگاهی برای کسب قدرت است؛ اصلاً حزب یعنی مجموعه‌ای برای کسب قدرت. یک گروهی با هم همراه می‌شوند، از سرمایه و پول و امکانات مالی خودشان بهره‌مند می‌شوند، یا از دیگران کسب می‌کنند، یا بند و بست‌های سیاسی می‌کنند، برای اینکه به قدرت برسند. یک گروه هم رقیب اینهاست؛ کارهای مشابه اینها را انجام می‌دهد تا آنها را قدرت پایین بکشد، خودش بشود جایگزین. الان احزاب در دنیا غالباً این‌گونه‌اند. این دو حزبی که در آمریکا به نوبت در رأس کار قرار می‌گیرند، از همین قبیل هستند؛ اینها در واقع باشگاه‌های کسب قدرت هستند. اگر کسانی در داخل کشور ما با این شیوه دنبال تحزب می‌روند ما جلوی آنها را نمی‌گیریم، اما من این شکل از تحزب را تأیید نمی‌کنم. این حزب‌سازی، حزب‌بازی معنایش عبارت است از کشمکش قدرت؛ این هیچ وجهی ندارد. اما حزب به معنای اول، یعنی کانال‌کشی در درون جامعه، برای گسترش فکر درست (چه فکر عقیدتی و اسلامی، چه فکر سیاسی و تربیت کادرهای گوناگون) بسیار خوب است؛ این امر نامطلوبی نیست (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴).

### ج. حکمرانی:

فرهنگ فارسی معین در تعریف حکمران و حکمفرما واژگان مترادفی نظیر «حاکم، والی، فرمانروا، حکمران» را آورده است (معین، ۱۳۸۷: ۴۱۶). مفهوم حکمروایی در زبان فارسی «حکم روا کردن» و یا «حکم روا داشتن» و معنای حکمرانی، «حکم راندن» است (ویسی، ۱۳۹۲: ۱۰۲). حکمرانی در لغت به معنای حکومت، فرمانروایی، رهبری و حکمرانی تعریف شده است (حق‌شناس و همکاران، ۱۳۷۹: ۶۸۹). حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می‌شود (Johnson، ۱۹۹۷: ۹). حکمرانی به معنای اداره و تنظیم امور جامعه به رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان مرتبط می‌شود در واقع، فرآیندها و نهادها و کارگزاری که تصمیمات مقتضی را اتخاذ و اقتدار حاکمیتی را در یک کشور اعمال می‌کنند به نوعی حکمرانی انجام می‌دهند (زارعی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۹). در واقع حکمرانی را می‌توان به نوعی اعمال مدیریت، رهبری و فرماندهی بر مجموعه‌ای از انسان‌ها در سطوح مختلف از خرد تا کلان بر اساس وضع قوانین و مقررات در امورات مختلف جامعه و

واکاوی سیاق حکمرانی جوان و حزب‌اللهی در گام دوم انقلاب مبتنی بر اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله العالی) ۲۰  
اعمال نظر بر اقتصاد، فرهنگ، امنیت، امور اجتماعی و دیگر شئون یک کشور برای نیل به هدفی که از  
قبل ترسیم شده است (عابدی درچه الف، ۱۳۹۸: ۱۲۰).

## روش تحقیق

این تحقیق با واکاوی سبک و سیاق حکمرانی توسط قشر جوان و حزب‌اللهی در گام دوم انقلاب با تحلیل  
محتوای بیانات امام خامنه‌ای (مدظله العالی) به روش توصیف و تحلیل این روش حکمرانی و تبیین  
مؤلفه‌ها و مختصات چنین دولتی پرداخته شده است. گردآوری اطلاعات این پژوهش با فیش‌برداری از  
منابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

## یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل آن

### وجه افتراق حکمرانی سیاسی حزب‌اللهی با تحرّز گرائی غربی:

امام خمینی (قدس سره) سیاست را به سیاست انبیاء و اولیای الهی و غیر از آن، تقسیم می‌کند (امام  
خمینی، ۱۳۹۷: ۱۶۰-۱۵۹) در این دیدگاه، سیاست یعنی: «اصلاح امور دین و دنیای مردم» (شیرودی،  
۱۳۹۳: ۱۶). به دیگر سخن، با کنار هم نهادن مفهوم اندیشه و معنای سیاست می‌توان اندیشه سیاسی را  
یک نظام فکری منسجم دانست که حول محور پدیده‌های مرتبط با قدرت و سعادت و مانند آن سامان  
می‌یابد، یا می‌توان آن را مجموعه‌ای از باورهای سیاسی تلقی کرد که به‌طور مستقیم به دولت و اداره امور  
جامعه ارتباط دارد. این باورها در یک نظام و منظومه قرار می‌گیرند، به همدیگر پیوند می‌خورند و در  
همانگی با هم، به‌سر می‌برند. برخی نیز، اندیشه سیاسی را تراوشات فکری بشر دانسته که به مسائل  
سیاسی معطوف می‌شود مسائلی که در اطراف و در ارتباط با قدرت و سعادت جریان دارند (بلوم، ۱۳۷۳:  
۴۳). متناسب با اندیشه سیاسی و ایدئولوژی سیاسی، نوع نظام سیاسی و توزیع قدرت در هر کشوری  
مبتنی بر باورهای ایدئولوژیکی و ملی آن جامعه بنا نهاده شده است، بر این اساس ابتدا الگوی حکمرانی  
یا حکمروائی و توزیع قدرت در هر کشوری متناسب با نظام سیاسی حاکم بر آن کشور است. هر چند اصول  
کلی حاکم بر آن می‌تواند از یک اندیشه، ایدئولوژی و قواعد صحیح و درست سرچشمه بگیرد (زارعی و  
همکاران، ۱۳۹۸: ۲). به عبارت دیگر، در نظریه حاکمیت الهی، قدرت ناشی از نیرویی ماوراء الطبیعه است  
که از سوی خداوند، طبق موازین و احکامی، به مسئولان و مراتب پایین‌تر انتقال می‌یابد (قاضی، ۱۳۷۰:  
۲۳۰؛ توکلی‌نیا و شمس‌پویا، ۱۳۹۵: ۱۱۰). این دیدگاه بر مبنای ادیان و کتب مقدس آسمانی و دستورهای  
دینی مَثکی است. در مکاتب الهی، اعتقاد و باور پیروان واقعی ادیان بر این است که هر گونه قدرتی تنها از  
اراده خداوند نشأت می‌گیرد و خداست که از هر عیبی مبرا و از ظاهر و باطن دو عالم آگاه است. از دیدگاه

توحیدی، انسان آفریده خداوند (ممکن‌الخطا) و در دستگاه عظیم آفرینش موجودی فناپذیر با آگاهی‌های بسیار محدود است. به اعتقاد پیروان این دیدگاه، انسان در عین حالی که مختار آفریده شده و می‌تواند مسیر رشد و تعالی را انتخاب کند، ولی هرگز قادر نخواهد بودجه‌ای از کمال برسد که واجد شرایط قانون‌گذاری برای زندگی و سعادت دنیوی و اخروی‌اش و جامعه باشد. بنابراین دیدگاه، انسان شایستگی لازم را برای وضع قوانین ندارد، بلکه تمام قدرت و حکومت از مشیّت خداوندی است که پس از تعلق گرفتن اراده خداوند بر خلقت انسان، از بین مردم برگزیدگانی را از هبوط آدم (علیه السلام) به زمین تا بعثت حضرت خاتم‌النبیین (صلی الله علیه و اله و سلم) به پیامبری مبعوث و به آنان رسالت داد تا مردم را به یکتاپرستی و راه صحیح زندگی دعوت کرده، زمینه رستگاری آن‌ها را در دو جهان مهیا کند (تهامی، ۱۳۹۰: ۱۸۷-۱۸۸). طرفداران این نظریه مدعی هستند که تشکیل دولت ناشی از حکمت الهی و اراده خداوندی بوده و متصدیان امور از طرف خداوند مبعوث می‌شوند و از جانب و به نمایندگی او مردم را اداره می‌کنند. این نظریه در ممالک قدیم مانند مصر، چین، آشور، کلد و حتی در یونان و روم نیز معمول بوده است. در آن دوران فرمانروایان ماهیت خدایی داشته‌اند و خود در زمره خدایان بوده‌اند. مردم مصر و روم، فرعون‌ها و امپراتوران را از خدایان می‌دانسته‌اند. پس از ظهور حضرت مسیح (علیه السلام) این نظریه توسعه یافت و از طرف روحانیون مسیحی تقویت شد. در حقیقت روحانیون مسیحی برای پیغمبرانی که فرستاده خداوند هستند، حق حاکمیت قائل شده و معتقد بودند که آن‌ها باید بر مردم حکومت کنند و تعالیم دینی را در اجتماع اجرا نمایند و پس از پیغمبران، وظیفه روحانیون است که اداره امور کشور را در دست گیرند. غالب نویسندگان قرون وسطا مانند سنت آگوستین، دولت را ناشی از خداوند دانسته و مدعی بودند که اداره مملکت بایستی در دست روحانیون و نمایندگان مذهب مسیح باشد. شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا در قرن چهارم و پنجم هجری نیز برای دولت منشأ الهی قائل شده و از این نظریه چنین نتیجه گرفته است که مقنن باید از طرف خداوند مبعوث شود (قالیباف، ۱۳۹۱: ۲۱). به اعتقاد پیروان حقیقی ادیان الهی، قدرت خداوند نامحدود و وجود اقدسش از هر نقصی مبرّاست. از این رو فرستادگانش حامل بهترین قوانین بوده و شایسته‌ترین افراد برای تشکیل حکومت و اداره جامعه هستند. حکومت‌های خدایی بر مبنای توحید، نبوّت، معاد و حذف اعتبارهای طبقاتی، قومی و نژادی بنا می‌شوند و کل جامعه انسانی را مورد خطاب خود قرار می‌دهند. حکومت‌های الهی مبارزه با ظلم، فساد و جنایت را سرلوحه کار خود قرار می‌دهند و آرمان آن‌ها تعالی و سعادت انسان است (تهامی، ۱۳۹۰: ۱۸۸). به علاوه، در قرن هفده و هجده میلادی، نظریه حکومت خدا (تئوکراسی) مورد تشکیک جدی و عمیق قرار گرفت و به جای آن، نظریه‌هایی ارائه شد که در آن‌ها، مشروعیت حاکمیت سیاسی-اجتماعی، موکول به رأی مردم گردید و

۲۲ (مدظله العالی) واکاوی سیاق حکمرانی جوان و حزب‌اللهی در گام دوم انقلاب مبتنی بر اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله العالی)

حکومت از بالا به پایین، جای خود را به حکومت دموکراتیک (مردم) و از پایین به بالا داد (شیرودی و جهان‌بین، ۱۳۹۳: ۱۰۰). در مجموع، از میان نظریه‌های گوناگون مربوط به حاکمیت، می‌شود در مورد دو گروه اصلی از باورهای مربوط به ریشه حاکمیت بحث کرد: ۱) نظریه‌های حاکمیت الهی؛ ۲) نظریه‌های حاکمیت مردم (توکلی‌نیا و شمس‌پویا، ۱۳۹۵: ۱۱۰). آنچه در دولت جوان و حزب‌اللهی مدنظر امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در بیانیه گام دوم انقلاب است، معطوف به نظریه حاکمیت الهی می‌باشد. تشکیل دولت حزب‌اللهی تنها در ذیل نظریه حاکمیت الهی با تمام مولفه‌های مربوط به حکمرانی خدامحور امکان‌پذیر می‌باشد. این مولفه‌ها عبارتند از: ۱- ایمان، معنویت، تقوا و اخلاق محوری؛ ۲- بصیرت دینی، آگاهی سیاسی، علم و فناوری و پژوهش؛ ۳- حاکمیت دین، عقل و قانون در جامعه؛ ۴- مردم‌سالاری دینی و نظارت مردمی و نهادی؛ ۵- مشارکت مردم، مشورت‌پذیری و تصمیم‌گیری منطقی با اتکال به خداوند؛ ۶- شفافیت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگوئی؛ ۷- امانت‌داری، وفای به عهد و مبارزه با فساد؛ ۸- انصاف، عدالت محوری فضایی، قومی، نژادی و مذهبی؛ ۹- تأمین استقلال، آزادی، امنیت و استکبارستیزی همراه با عزت ملی؛ ۱۰- تعاون، همکاری، تأمین رفاه عمومی با خدمت‌رسانی به آحاد مردم جامعه (عابدی درچه، ۱۳۹۹: ۲۴۳).

### جوان‌گرایی در بیانیه گام دوم انقلاب

مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر ۴۰ سال که بخش مهمی از آن نتیجه موج جمعیتی ایجادشده در دهه ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. ۳۶ میلیون نفر در سنین میانه ۱۵ و ۴۰ سالگی، نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی، انبوه جوانانی که با روحیه انقلابی رشد کرده و آماده تلاش جهادی برای کشورند، و جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛ اینها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته مادی با آن مقایسه نمی‌تواند شد (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در بیانیه گام دوم انقلاب ۴۲ مرتبه از واژه جوان استفاده کرده‌اند که دو مرتبه آن در مقدمه و قسمت پایانی است. می‌توان گفت ایشان در چهل سالگی انقلاب، چهل بار از واژه کلیدی «جوان» در بیانیه خود استفاده کردند. همچنین ذکر این نکته ضروری است که مخاطب اصلی این بیانیه برای عملیاتی‌سازی آن قشر جوان و پرنشاط کشور است. بنابراین اکنون که ۴۲ سال از انقلاب اسلامی ایران گذشته، زمان آن فرا رسیده همان‌گونه که امام خمینی (قدس سره) به جوانان آن زمان اعتماد و اطمینان کرد، مسئولین امروز کشور نیز به جوانان فعلی کشور اعتماد کرده و زمام امور حکمرانی را با تکیه



بر تجربه خود به آنها واسپارند، تا تلفیق توان و انگیزه جوانی و تجربه و پختگی پیشکسوتان، طریق نوینی را در گام دوم انقلاب پیش روی حکمرانان باز نماید.

### جوان‌گرایی و شایسته‌سالاری در حکمرانی متعالی

امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در زمینه شایسته‌سالاری حدیثی از پیامبر اکرم نقل می‌کنند. در فتح مکه، پیغمبر یک جوان نوزده ساله را گذاشتند حاکم مکه. پیغمبر مکه را که فتح کردند، لازم بود حاکم یا فرمانداری آنجا بگذارند. این همه پیرمردها و بزرگان بودند، اما پیغمبر یک جوان نوزده ساله را منصوب کرد. بعضی‌ها اشکال کردند که آقا این سنش کم است، چرا او را گذاشتید؟؛ طبق این روایت پیغمبر فرمود: «لا یحتج محتج منکم فی مخالفتہ بصغر سنہ»؛ کسانی که با انتصاب این شخص برای فرمانداری مکه مخالفتند، استدلال‌شان را این قرار ندهند که چون سنش کم و جوان است؛ این استدلال، استدلال درستی نیست. یعنی اگر استدلال دیگری دارید، خیلی خوب، بیایید بگوئید؛ اما کم بودن سن، جوان بودن، استدلال درستی نیست (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴). «فلیس الاکبر هو الافضل، بل الافضل هو الاکبر» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۱: ۱۲۱). آن کسی که بزرگ‌تر است، لزوماً برتر نیست؛ بلکه آن کسی که برتر است، در واقع بزرگ‌تر است، افضل، یعنی شایسته‌تر، این شایسته‌سالاری است. در همه نظامات جمهوری اسلامی، در قوای مجریه، مقننه، قضائیه، در نیروهای مسلح و نهادهای گوناگون این اصل شایسته‌سالاری باید رعایت شود. شایسته‌گزینی؛ گزینش باید بر طبق معیارها و صلاحیت‌ها باشد، نه بر طبق امیال و مسائل شخصی. این در اسلام خودش یک اصل است. تمام این تغییر و تبدیل‌هایی که در اسلام وجود دارد، بر این اساس است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴).

### اعتماد و اطمینان امام خمینی (قدس سره) به جوانان

در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده ملی را که جان‌مایه پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما می‌توانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). در ابتدای انقلاب اسلامی ایران همه اعتماد و تأکید امام خمینی (قدس سره) بر تجمیع نیروهای جوان انقلابی در جهت پیشبرد اهداف انقلاب بود. البته این دیدگاه و رویکرد حضرت امام (قدس سره) از شروع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ نبود، بلکه هسته آغازین آن از طلیعه نهضت اسلامی ایشان و در اسفندماه سال ۱۳۴۱ رقم خورد، هنگامی که ایشان فرمودند سربازان من در گهواره‌ها هستند. و این سربازان پانزده سال بعد بالنده شده و در قامت جوانان رعنا و برومند

۲۴ (مدظله العالی) واكوى سباق حكمرانى جوان و حزب الهى در گام دوم انقلاب مبتنى بر اندیشه امام خامنه‌اى (مدظله العالی) انقلاب پا به عرصه جهاد و شهادت گذاشتند. اولين نقش آفرينى اين جوانان در به ثمر رسيدن انقلاب اسلامى و حوادث پس از آن يعنى فتح لانه جاسوسى، دفع كودتا، مقابله با تجزيه طلبى و گروهك‌هاى ضدانقلاب در غرب، خوزستان، گنبد و ساير نقاط كشور بود. پس از با تجاوز رژيم بعث عراق به خاك كشور، مرحله حساس و نقطه عطف اعتماد و اطمينان حضرت امام (قدس سره) به جوانان كليد خورد. آنجاى كه اكثر فرماندهان ارشد زمان جنگ در سپاه پاسداران انقلاب اسلامى، مديران جهاد سازندگى و برخى فرماندهان ارتش جمهورى اسلامى ايران، جوانانى بودند كه ايشان در سال ۱۳۴۲ آنها را در قامت كودكانى مى‌ديد كه بالقوه سربازان آينده قيام بودند. در دوران دفاع مقدس اكثر فرماندهان در حدود ۲۲ تا ۲۸ سال سن داشتند. شهيدان حسن باقرى، حسين خرازى، ابراهيم همت، احمد متوسليان، محمد جهان‌آرا، محمد بروجردى، محمود كاوه، شهيدان زين الدين و باكرى و ساير شهدا و فرماندهانى كه نيز اكنون در قيد حيات هستند؛ در آن زمان در دوران جوانى خود به سر مى‌برند.

### **ضرورت كادرسازى و توجه به جوانان در گام دوم انقلاب**

امام خامنه‌اى (مدظله العالی) در مورد اهميت توجه به جوانان و ضرورت حفاظت از جوانان در قبال نفوذ و بكارگيرى جوانان به عنوان يك ظرفيت در مقابل نظام اسلامى نكات مهمى را متذكر مى‌شوند. ايشان فرمايشات خود را با مخاطب قرار دادن جوانان و سازمان‌هاى مرتبط با مسائل جوانان چنين بيان مى‌كنند: «همچنان كه ما به مسئله جوان اهميت مى‌دهيم براى آينده كشور و پيشرفت كشور، دشمن ما هم براى تخریب كشور و براى به زانو درآوردن انقلاب، به مسئله جوان اهميت مى‌دهد، او هم نقش جوان را مى‌داند. آنها هم رو جوان ما كار مى‌كنند، آنها هم سعی مى‌كنند كه از جوان ما سوءاستفاده كنند، آنها هم اين را دنبال مى‌كنند و براى اين برنامه‌ريزى مى‌كنند؛ يك جاهايى به عواملى در داخل كشور احتياج دارند، روى جوان داخل كشور كار مى‌كنند؛ يك جاهايى به عنصر تبليغاتي و تحليل‌گر و عنصر سياسى و مانند اين‌ها احتياج دارند، روى او كار مى‌كنند؛ يك جاهايى هم به اين احتياج دارند كه يك جوانى را وادار كنند كه مثلاً پشت به كشور بكنند و برود كه ديده‌ايم، اتفاق مى‌افتد؛ هنرپيشه، ورزشكار، طلبه نيمه‌سواد، دانشجو را به يك نحوى با سر و صدا وادار مى‌كنند كه از كشور خارج بشوند؛ از اين قبيل كارها از طرف دشمن روى جوان‌ها انجام مى‌گيرد. همه به اين توجه داشته باشند و مراقب باشند كه به سربازگيرى دشمن از جامعه جوان كشور كمك نشود (امام خامنه‌اى، ۱۳۹۹/۰۲/۲۸). بنابراین نفوذ بر روى قشر جوان به منظور كادرسازى براى دولت جوانى كه به ظاهر حزب الهى باشد و در باطن مجرى برنامه‌ها و راهبردهاى دشمن باشد، يكي از تهديددهايى است كه مى‌تواند از جانب دشمنان خارجى با حمايت حاميان داخلى به عنوان يك پروژه نفوذ انجام شود. شكل ديگر آن نيز مى‌تواند اين گونه باشد كه

به واقع دولت جوان و حزب الهی در رأس کار قرار گیرد و به مرور زمان طرح نفوذ روی عناصر مختلف این دولت انجام شود.

### رویکرد امام خامنه‌ای (مدظله العالی) نسبت به جوان‌گرایی در دولت حزب الهی

امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در دیدار با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی در سال ۱۳۹۹، در خصوص دولت جوان و حزب الهی فرمودند: «به دولت جوان و حزب الهی معتقدم و به آن امیدوارم و البته دولت جوان صرفاً به معنای این نیست که باید یک رئیس دولت جوان، آن هم مثلاً جوان به معنای ۳۲ ساله داشته باشد؛ نه، دولت جوان، یعنی یک دولت سرپا و بانشاط و آماده‌ای که در سنینی باشد که بتواند تلاش و کار بکند و خسته و از کار افتاده نباشد؛ منظور این است. بعضی‌ها تا سنین بالا هم به یک معنا جوانند؛ همین شهید عزیز سلیمانی، شصت و چند سال سنش بود، ایشان که خیلی جوان نبود؛ اگر ده سال دیگر هم زنده می‌ماند و بنده زنده می‌ماندم و بنا بود که من مشخص بکنم، او را در همین جا نگه می‌داشتم، یعنی کنار نمی‌گذاشتم. او را که جوان هم نبود. بنابراین بعضی اوقات افرادی که در سنین جوانی هم نیستند، کارهای جوانانه خوبی را می‌توانند انجام بدهند. به هر حال به نظر من علاج مشکلات کشور، دولت جوان حزب الهی و جوان مؤمن است که می‌تواند کشور را از راه‌های دشوار عبور بدهد» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۰۲/۲۸). از مفهوم جوان دو برداشت کلی می‌توان کرد. یکی برداشت ظاهری که معطوف به سن و تقویم زندگی افراد است و دیگری برداشت باطنی که به معنای ویژگی‌ها و افعال و رفتار افراد و سبک عملکردی آنهاست. آنچه مسلم است منظور امام خامنه‌ای (مدظله العالی) از واژه جوان در اعتقادش به دولت جوان و حزب الهی صرفاً جوان تقویمی و سن او نیست، هر چند این هم خود یک ملاک و معیار اصلی است. به هر حال آنچه مهم است خصوصیات رفتاری و ویژگی‌های عملکردی حکمرانانی است که سگان حکمرانی را در گام دوم انقلاب در دست خواهند گرفت. بنابراین بر مبنای سخنان ایشان، به نظر می‌رسد منظور از دولت جوان، دولتی است که مولفه‌های جوانی را در عملکرد و کارکرد خود بروز و ظهور دهد. همچنین ذکر این نکته ضروری است که ایشان صحبت از دولت جوان می‌کنند نه رئیس جمهور جوان؛ بنابراین دولت اگر به معنای عام در نظر گرفته شود، شامل همه مسئولین نظام و حاکمیت کشور نظیر قوای سه‌گانه و نیروهای مسلح و سایر نهادها و سازمان‌های کشوری و لشکری می‌باشد. اما دولت به معنای خاص آن عبارت است از شخص رئیس جمهور و اعضای هیئت وزراء و زیرمجموعه آنها شامل مدیران کل و مدیران میانی. بنابراین چون در کشور ما منظور از دولت، معنای خاص آن می‌باشد، وقتی سخن از دولت جوان به میان می‌آید، هدف هیئت وزیران و تشکیلات جوان آنهاست.

واکاوی سیاق حکمرانی جوان و حزب‌الهی در گام دوم انقلاب مبتنی بر اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله العالی) ۲۶

یکی از وظایف اصلی جوانان از منظر امام خامنه‌ای (مدظله العالی) خودسازی جوانان به منظور قبول بار مسئولیت و امانت سنگین انقلاب اسلامی در آینده است. چنان‌که می‌فرماید: «این کشور متعلق به جوانان است و جوانان باید این بار امانت سنگین را از نسل پیش از خود تحویل بگیرد و آن را به نسل بعد برسانید» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۰/۱۱). به طور کلی فرایند پنج‌گانه انقلاب اسلامی بر خودسازی وابسته است: این‌ها همه‌اش با مراقبت و با تقوای عملی است؛ تقوای فردی و تقوای جماعت و اُمت حاصل می‌شود (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۵/۲۸). بنابراین، در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در پنج بخش مبانی، آرمان‌ها، رسالت، افق و تدابیر و مراحل پنج‌گانه تحقق تمدن نوین اسلامی شامل انقلاب اسلامی، تشکیل نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی؛ به تبیین کلی تدابیر این الگو پرداخته شده و الزامات مورد نیاز جهت بسط و گسترش این الگو بیان شده است (عابدی درچه ب، ۱۳۹۸: ۳۸). بر همین اساس، فرایند پنج‌گانه بعد از انقلاب اسلامی بر خودسازی فردی و اجتماعی مبتنی است.



شکل ۱: فرایند ۵ گانه تحقق تمدن نوین اسلامی با اجرای حکمرانی متعالی؛ منبع: نگارنده

امام خمینی (قدس سره) نیز بر این باور بودند که، «انسان تا خودش را نسازد، نمی‌تواند دیگران را بسازد و تا دیگران ساخته نشوند، نمی‌شود که کشور ساخته بشود» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۸۰-۳۷۹). و این مطلب دقیقاً همانی است که امام خامنه‌ای (مدظله العالی) نیز در مواقع مختلف به آن اشاره داشته و از آن تحت عنوان «سبک زندگی اسلامی» یاد کرده‌اند. همان چیزی که در غرب آن را Life Style می‌نامند و مربوط به فرهنگ و آداب و رسوم آن جامعه است. مادامی که فرهنگ جامعه به سبکی باشد که هر فردی تا زمانی که به مسئولیتی نرسیده صرفاً منتقد و معترض به اوضاع کشور باشد و به محض احراز مسئولیت و پُست دولتی مانند گُرگی گرسنه دست به چپاول و حیف و میل بیت‌المال بزند، این کشور حتی به مقدار اندکی پیشرفت نخواهد داشت. اینکه امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در بیانات خود از واژه پیشرفت به جای توسعه استفاده می‌کند، ناظر به همین موضوع است که عدالت در پیشرفت مستتر است. زیرا قرار نیست بر مبنای دیدگاه حزب کارگزاران در زیر چرخ توسعه قشر مستضعف جامعه جان دهند.

امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در دیدار با دانشجویان کرمانشاه در سال ۱۳۹۰، ضمن بیان دو جهت مهم دیدار با جوانان، به چند خصلت و مختصات مهم جوان برای احراز مسئولیت و به دوش کشیدن بار انقلاب اشاره می‌فرماید: «یکی اینکه خود حضور در میان جوانان، شنیدن و گفتگو با آنها، به انسان روحیه جوانی و نشاط می‌بخشد؛ که ما امروز در مسئولیت‌های مختلف به این روحیه نشاط نیازمندیم. در چنین جمع‌هایی، حالت ابتکار و نوآوری و طلبکاری قله‌های بلند موج می‌زند؛ و این همان امر مطلوب ما است. جهت دوم این است که نسل جوان، بار انقلاب را بر دوش داشته و دارد و در آینده هم خواهد داشت. این مخصوص جوان دهه ۶۰ نیست؛ جوان دهه ۹۰ هم بار سنگینی را بردوش دارد و من مشاهده می‌کنم که بحمدالله جوان کشور ما، به خصوص جوانان دانشجو و تحصیل کرده، این بار را به خوبی پیش می‌برند و ان‌شالله به منزل خواهند رساند» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴). همچنین در جایی دیگر می‌فرماید: «همیشه در مورد جوان‌ها این قضاوت را دارم، طبیعت جوان، با امید، ابتکار، صراحت، خطرپذیری، خستگی‌ناپذیری همراه است و این‌ها برای اداره جامعه عناصر ذی‌قیمتی هستند؛ بخشی از مشکلات ما ناشی از خطرپذیر نبودن یا خسته شدن، یا عدم وجود ابتکار، یا عدم صراحت، یا ناامید بودن است؛ این‌ها در جوان نیست» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۰۲/۲۸). جریان مؤمن و انقلابی و جوانان حزب‌اللهی را متهم نکنید به تندروی؛ این‌ها همان کسانی هستند که با همه وجود، با همه اخلاص در میدان حاضرند، آنجایی که دفاع از مرزها لازم باشد، دفاع از هویت ملی لازم باشد، مسئله جان دادن و خون دادن مطرح باشد، همین‌ها هستند که به میدان می‌آیند. این جماعت مؤمن و جوان‌های انقلابی خیلی اوقات عقل‌شان و فهم‌شان و تعقل‌شان هم از بعضی از بزرگ‌ترها خیلی بیشتر است، خوب می‌فهمند، خوب تحلیل می‌کنند، خوب مسائل را تشخیص می‌دهند و سینه‌چاک انقلاب و اسلام هستند (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۳۰). بنابراین، دولتی که کابینه و وزراء و مدیران کل آن جوان و حزب‌اللهی باشند، خصوصیات دارند که بخشی از مؤلفه‌ها و مختصات با اهمیت آن را امام خامنه‌ای در برخی بیانات خود در دیدارهای مختلف بیان کرده‌اند. این ویژگی‌ها عبارتند از: تقوا و خودسازی؛ روحیه امید و نشاط؛ ابتکار و نوآوری؛ روحیه صراحت و طلبکاری؛ عدالت‌خواهی؛ تحصیل علم و کسب دانش؛ دفاع از مرزها و هویت و منافع ملی؛ بذل جان و مال برای اسلام و انقلاب؛ قدرت تعقل و تحلیل خوب مسائل؛ خطرپذیری و خستگی‌ناپذیری؛ آرمان‌خواهی واقع‌گرایانه. به عبارت دیگر، این مؤلفه‌ها تأمین‌کننده حکمرانی کارآمد، اثربخش، مقبولیت و نصرت مردم، رضایتمندی آحاد مردم از حکمرانان، دولت مقتدر و عامل ایجاد ثبات سیاسی در هر جغرافیای سیاسی می‌باشند.



شکل ۲: مختصات جوانان حزب‌اللهی از منظر امام خامنه‌ای؛ منبع: نگارنده

اینجانب به جوانان عزیزی که آینده کشور، چشم‌انتظار آنها است صریحاً می‌گویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید می‌شده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است. در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به‌طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپید و از شکاف‌های عمیق طبقاتی بشدت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه‌تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریب‌گران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، بشدت ممنوع است؛ همچنین غفلت از فشرهای نیازمند حمایت، به‌هیچ‌رو مورد قبول نیست. این سخنان در قالب سیاست‌ها و قوانین، بارها تکرار شده است ولی برای اجرای شایسته آن، چشم‌امید به شما جوان‌ها است؛ و اگر زمام اداره بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

### آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در دولت جوان حزب‌اللهی

بی‌شک فاصله میان بایدها و واقعیت‌ها، همواره وجدان‌های آرمان‌خواه را عذاب داده و می‌دهد، اما این، فاصله‌ای طی‌شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی شده است و بی‌شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). آنچه در یک جامعه از سوی مردم برای عملکرد حکمرانان آن شایسته شناخته می‌شود، موفقیت در ابعاد مختلف حکمرانی نظیر بُعد اقتصادی، بُعد سیاسی، بُعد دفاعی و امنیتی، بُعد فرهنگی، بُعد اجتماعی، بُعد علمی و فناورانه، بُعد محیط‌زیستی و سایر ابعاد حکمروائی مطلوب است. به‌عنوان مثال در بُعد اقتصادی، برخورداری جامعه از قدرت خرید، داشتن اقتصاد سالم و پویا به دور از رانت و فساد اداری و سازمان یافته در دو بخش خرد و کلان است. اقتصادی که آحاد مردم جامعه در آن احساس عدالت اقتصادی در تمامی حوزه‌های مرتبط با معیشت خود را با تمام وجود حس کنند.

برهمن اساس، امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در بیانیه گام دوم انقلاب در خصوص عدالت مورد انتظار از حکمرانی متعالی مبتنی بر حکمرانی علوی می‌فرماید: «البته عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از این‌ها است و چشم امید برای اجرای آن به شما جوان‌ها است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). همچنین ایشان در توصیه سوم با موضوع اقتصاد می‌فرماید: «بی‌گمان یک مجموعه جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش‌رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). به دیگر سخن حکمران جوان و حزب‌اللهی در گام دوم انقلاب رسالتی خطیر برعهده دارد. به این معنا که این حکمرانان ضمن حفظ و تقویت برکات و دستاوردهای هفت‌گانه گام اول انقلاب، وظیفه و مأموریتی خطیر در قبال به اجرا در آوردن و عملیاتی‌سازی توصیه‌های هفت‌گانه در بیانیه گام دوم انقلاب دارند. این برکات و دستاوردها عبارتند از: ۱- ثبات و امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران؛ ۲- موتور پیشران کشور در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی؛ ۳- به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه خدمت‌رسانی؛ ۴- ارتقاء شگفت‌آور بینش سیاسی آحاد مردم؛ ۵- سنگین کردن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور؛ ۶- افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه؛ ۷- ایستادگی روزافزون در برابر قُلدران و زورگویان و مستکبران جهان (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۱۴-۱۰)؛ همچنین امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در بخش دوم بیانیه گام دوم انقلاب، توصیه‌هایی را برای آرمان بزرگ انقلاب اسلامی یعنی نیل به تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای

۳۰ (مدظله العالی) واکاوی سیاق حکمرانی جوان و حزب‌اللهی در گام دوم انقلاب مبتنی بر اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله العالی) ۳۰  
طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) به عنوان مطلوب‌ترین حکمرانی شکل گرفته در طول تاریخ بشریت بیان کردند، این توصیه‌ها عبارتند از: ۱- علم و پژوهش؛ ۲- معنویت و اخلاق؛ ۳- اقتصاد؛ ۴- عدالت و مبارزه با فساد؛ ۵- استقلال و آزادی؛ ۶- عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن؛ ۷- سبک زندگی (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۲۹-۲۰). بنابراین رسالت و مأموریتی که از دولت جوان و حزب‌اللهی در گام دوم انقلاب انتظار می‌رود، تلفیق دستاوردها و توصیه‌ها، حفظ و تقویت آنها به عنوان چشم‌انداز و تصویر مطلوب برای حکمرانی جوان و حزب‌اللهی است.

## نتیجه‌گیری

بررسی و واکاوی اندیشه سیاسی، منظومه فکری و بیانات امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در مورد دولت جوان و حزب‌اللهی، نشان از آن دارد که ایشان اهتمام ویژه‌ای نسبت به ترغیب و تشویق مردم کشور برای انتخاب کاندیدایی دارد که آن رئیس دولت تأکید بسیار زیادی بر انتصاب کابینه جوان و حزب‌اللهی داشته باشد. در این میان، دولت جوان و حزب‌اللهی با برخورداری از مختصات و ویژگی‌های خاص خود نظیر: تقوا و خودسازی؛ روحیه امید و نشاط؛ ابتکار و نوآوری؛ روحیه صراحت و طلبکاری؛ عدالت‌خواهی؛ تحصیل علم و کسب دانش؛ دفاع از مرزها و هویت و منافع ملی؛ بذل جان و مال برای اسلام و انقلاب؛ قدرت تعقل و تحلیل خوب مسائل؛ خطرپذیری و خستگی‌ناپذیری؛ آرمان‌خواهی واقع‌گرایانه، تأمین‌کننده حکمرانی کارآمد، اثربخش، مقبولیت و نصرت مردم، رضایتمندی آحاد مردم از حکمرانان، دولت مقتدر و عامل ایجاد ثبات سیاسی در هر جغرافیای سیاسی می‌باشند.

همچنین بر مبنای بیانیه گام دوم انقلاب توسط امام خامنه‌ای (مدظله العالی) دولت جوان و حزب‌اللهی رسالتی خطیر در خصوص تعقیب دستاوردها پیشین و نهادینه‌سازی توصیه‌های گام دوم دارد. این مولفه‌ها عبارتند از: ثبات سیاسی و تأمین امنیت و حفظ منافع ملی و تمامیت ارضی ایران؛ اقتصاد قوی و تأمین رفاه عمومی با تسهیل تأمین معیشت مردم جامعه؛ توجه به علم، پژوهش و فناوری به عنوان موتور پیشران کشور در عرصه‌های مختلف و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی، اقتصادی و عمرانی؛ به اوج رسانیدن مشارکت مردمی، توسعه همکاری و تعاون و مسابقه خدمت‌رسانی با مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، شفافیت و مردم‌سالاری دینی؛ ارتقاء شگفت‌آور معنویت و اخلاق، بینش سیاسی آحاد مردم؛ افزایش روزافزون عدالت در تمامی ابعاد حکمرانی و مبارزه با فساد در تمامی زمینه‌های حکمرانی؛ ایستادگی و مقاومت فعال در مقابل جبهه استکبار جهانی همراه با حفظ عزت ملی در روابط خارجی و مرزبندی با دشمنان خارجی؛ حفظ استقلال و آزادی کشور و ترویج سبک زندگی ایرانی و اسلامی در



جامعه. با اجرای این سیاست‌ها در قالب چشم‌انداز مطلوب و تصویرسازی شایسته از حکمرانی جوان‌گرا و حزب‌اللهی، می‌توان به آرمان قطعی و حتمی بزرگ انقلاب اسلامی یعنی نیل به تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (عج) امیدوار بود.

### منابع و ماخذ:

- قرآن کریم. (۱۳۸۳). ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای. چاپ دوم. پائیز. قم: انتشارات خوشرو.
- امام خمینی «ره»، روح‌الله. (۱۳۹۷)، ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی (تقریر بیانات امام خمینی «ره»)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی «ره».
- امام خمینی «ره»، سیدروح‌الله، (۱۳۷۸)، صحیفه امام (نور)، مجموعه آثار امام خمینی «ره»، جلد‌های ۱۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی «ره».
- امام خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۷)، شرحی بر بیانیه گام دوم انقلاب، چاپ اول، اسفند، تهران: معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- امام خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۹)، بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی، دیدار رضائی دانشجویان، در تاریخ ۱۳۹۹/۰۲/۲۸
- امام خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۴)، بیانات در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات، در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۳۰
- امام خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۰)، بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، در دانشگاه رازی، در تاریخ ۱۳۹۰/۰۷/۲۴
- امام خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۸۴)، بیانات در دیدار، در تاریخ ۱۳۸۴/۰۵/۲۸
- امام خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۷۹)، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، در تاریخ ۱۳۷۹/۰۹/۱۲
- امام خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۷۰)، بیانات در دیدار، در تاریخ ۱۳۷۰/۱۰/۱۱
- بلوم، ویلیام‌تی. (۱۳۷۳)، نظریه‌های نظام سیاسی، ترجمه: احمد تدین، جلد اول، تهران: آران.
- توکلی‌نیا، جمیله و محمدکاظم شمس‌پویا (۱۳۹۵)، قدرت و حکمروایی شهری، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- تهمامی، سیدمجتبی، (۱۳۹۰)، امنیت ملی، داکترین، سیاست‌های دفاعی و امنیتی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، معاونت فرهنگی (نشر آجا).

- واکاوی سیاق حکمرانی جوان و حزب‌اللهی در گام دوم انقلاب مبتنی بر اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۳۲
- حق‌شناس، علی محمد و همکاران (۱۳۷۹)، فرهنگ معاصر هزاره، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
  - زارعی، بهادر؛ سیدعباس احمدی و محسن عابدی درجه. (۱۳۹۸)، تبیین مولفه‌های حکمرانی متعالی در اسلام، اولین همایش ملی حکمرانی، ۲۰ آبان‌ماه، دانشگاه عالی دفاع ملی، صص ۱۱-۱.
  - زارعی، بهادر؛ سیدعباس احمدی؛ زهرا پیشگاهی فرد و محسن عابدی درجه. (۱۳۹۹)، مقایسه تطبیقی حکمرانی متعالی در اسلام و حکمرانی خوب در غرب، دومین همایش ملی حکمرانی اسلامی، ۲۰ آبان‌ماه، دانشگاه عالی دفاع ملی، صص ۲۲-۱.
  - شفرز، برنهارد، (۱۳۸۳)، مبانی جامعه‌شناسی جوانان، ترجمه: کرامت‌الله راسخ، تهران: نشرنی.
  - شیروودی، مرتضی (۱۳۹۳)، اندیشه‌های سیاسی در اسلام، مجموعه کتاب‌های اندیشه و سیاست (۱)، چاپ دوم، پاییز، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشارات زمزم هدایت.
  - شیروودی، مرتضی و اسماعیل جهان‌بین کیاده (۱۳۹۳)، اندیشه‌های سیاسی در غرب از اصلاح دینی تا قرن بیستم، مجموعه کتاب‌های اندیشه و سیاست (۳)، چاپ اول، بهار، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشارات زمزم هدایت.
  - عابدی درجه الف، محسن، (۱۳۹۸)، الزامات بسط و کاربست تدابیر الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت در تحقق تمدن نوین اسلامی، مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: الگوی پیشرفت؛ پیشران‌ها، چالش‌ها و الزامات تحقق، ۲۲ و ۲۳ خردادماه، تهران: دانشگاه تهران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، صص ۵۳-۳۸.
  - عابدی درجه ب، محسن، (۱۳۹۸)، تبیین مولفه‌های الگوی حکمرانی مطلوب اسلامی- ایرانی پیشرفت در نهادینگی تمدن نوین اسلامی، مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: الگوی پیشرفت؛ پیشران‌ها، چالش‌ها و الزامات تحقق، ۲۲ و ۲۳ خردادماه، تهران: دانشگاه تهران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، صص ۱۳۰-۱۱۵.
  - عابدی درجه، محسن، (۱۳۹۹)، الگویابی حکمرانی مطلوب به منظور ارتقاء اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران، رساله دکتری در رشته جغرافیای سیاسی، اساتید راهنما: دکتر بهادر زارعی و دکتر سیدعباس احمدی، اساتید مشاور: دکتر زهرا پیشگاهی فرد و دکتر علی اصغر پورعزت، پردیس البرز دانشگاه تهران.

- قالیباف، محمدباقر (۱۳۹۱)، حکومت محلی یا استراتژی توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران، چاپ ششم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- قنبری برزیان، علی، (۱۳۹۳)، پژوهشی در خصوص مسئله‌شناسی جوانان ایران، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۳، شماره ۴، زمستان، صص ۶۹۶-۶۶۷.
- المجلسی، العلامة محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، الطبعة الثانية، مجلد ۲۱ من ۱۱۰ مجلدات، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محمدی‌ری‌شهری، محمد، (۱۳۸۳)، منتخب میزان‌الحکمه (ترجمه فارسی)، ترجمه: حمیدرضا شیخی، تلخیص: سیدحمید حسینی با اشراف سیدمحمدکاظم طباطبایی، قم: مرکز تحقیقات دارالحدیث.
- معین، محمد (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی معین (یک جلدی)، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ‌نما.
- ویسی، هادی (۱۳۹۲)، درآمدی بر دولت محلی، چاپ اول، تابستان، تهران: سمت.
- Johnson, I. (۱۹۹۷). Redefining the Concept of Governance.





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی